

# تاریخ صدور چک چه تاریخی است؟

دکتر امیرحسین فخاری

## چکیده

در این مقاله سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود که در چک، چه تاریخی باید به عنوان تاریخ صدور محسوب شود. می‌دانیم که به علت رواج چک‌های مدت‌دار، دو تاریخ در چک می‌تواند مطرح باشد: یکی تاریخ واقعی صدور چک و دیگر تاریخ مندرج در آن سند. رویه‌های قضایی مورد دسترسی را در دورانه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادیم و سرانجام رویه‌ای را صحیح و قابل قبول و منطبق با اصول حاکم بر اسناد تجاری، مخصوصاً اصل تجریدی بودن و اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات و ثوری عمل به ظاهر تشخیص دادیم که مطابق آن در قبال دارنده با حسن نیت سند تجارتي، نتوان خلاف مندرجات چک را با مدارک و دلایل دیگر به اثبات رسانید. زیرا، وقتی سند مورد گفتگو به عنوان متداول‌ترین وسیله پرداخت به کار می‌رود، نباید صادرکننده و ظهرنویس در مورد دارنده‌ای که بی‌خبر از روابط مبنایی امضاکنندگان، آن سند را به دست آورده است بتواند به آن روابط استناد کند و خود را از زیر بار تعهد ناشی از امضای سند تجارتي رهایی بخشد.

## Quelle est la date d'émission du chèque?

Dr. Amir Hossein FAKHARI

### Abstrait

Nous avons essayé de répondre à cette question qu'en matière de chèque, quelle date doit en être considérée comme celle de l'émission. Deux dates peuvent être prises en considération: celle exacte à laquelle le chèque est émise et celle inscrite sur le chèque.

Au sein de la jurisprudence disponible, quelques décisions pertinentes nous ont paru les plus conformes à la matière des effets de commerce. Quelques règles ont particulièrement retenu notre attention: la règle d'inopposabilité des exceptions en est une, celle selon laquelle les effets de commerce revêtent un caractère abstrait en est une autre, sans préjudice de la théorie d'apparence.

Ces règles et théorie enseignent que le signataire du chèque n'est guère fondé à établir que la date inscrite sur le titre est inexacte, au moins à l'égard du porteur de bonne foi.

به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۵ رأی از هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مقام وحدت رویه قضایی صادر گردید.<sup>۱</sup> عده کثیری از آقایان قضات و وکلای دادگستری و دانشجویان حقوق در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری که با آنان برخورد داشته‌ام چنین پنداشته‌اند که براساس رأی مذکور، تاریخ صدور چک زمانی است که چک صادر شده است و اگر بین آن تاریخ و تاریخ مندرج در چک اختلاف باشد، باید تاریخی که چک واقعاً در آن تاریخ صادر شده است به عنوان تاریخ صدور چک تلقی شود و نه تاریخ مرقوم در چک.

با بررسی دقیق رأی مورد گفتگو معلوم می‌شود که در تاریخ ۷۶/۱۲/۱۶ آقای سیداحمد علیه آقای سید نوری به اتهام صدور یک فقره چک بدون محل اعلام شکایت کرده است. شعبه ۷۴ دادگاه عمومی تهران به موجب دادنامه شماره ۹۸۱-۷۶/۸/۴ با این استدلال که در جریان رسیدگی مشخص شده چک موضوع شکایت بدون تاریخ در خردادماه سال ۱۳۷۵ به شاکی داده شده و شاکی آن را در تاریخ ۷۶/۲/۱۶ به بانک محال‌علیه ارائه کرده و تاریخ واقعی صدور چک خردادماه سال ۱۳۷۵ بوده و پس از گذشتن بیش از ۶ ماه از تاریخ واقعی صدور به بانک ارائه گردیده، لذا در اجرای ماده ۱۱ قانون چک رأی بر براءة متهم صادر کرده است.

در اثر تجدیدنظرخواهی آقای سیداحمد، شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده کلاسه ۱۳۸۱/۱۹/۷۶ به موجب دادنامه شماره ۸۳۷-۷۷/۲/۳۱ با این استدلال که چک مزبور از شمول مقررات ماده ۱۱ قانون

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۸، نشر روزنامه رسمی، صفحات ۶۱۳ تا ۶۱۶.

اصلاح موادی از قانون چک خارج بوده و جرایم مندرج در ماده ۱۳ قانون مذکور منوط به رعایت ماده ۱۱ قانون مورد بحث نمی‌باشد، تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص داده و دادنامه تجدیدنظر خواسته را در مورد برائت صادر کننده چک نقض نموده و به استناد ماده ۱۳ قانون چک، تجدیدنظر خوانده (آقای سیدنوری) را به پرداخت مبلغ چهار میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است.

آنچه فوقاً بیان شد اجمال پرونده‌ای بود که با صدور حکم قطعی از شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مختومه گردید. در پرونده‌ای دیگر به تاریخ ۷۶/۴/۲۱ آقای حمیدرضا علیه آقای ارسطو به اتهام صدور یک فقره چک به شماره ۶۳۷۷۱۴-۷۶/۲/۱۰ طرح شکایت نموده است. شعبه ۷۴ دادگاه عمومی تهران مطابق دادنامه شماره ۴۱۹-۷۶/۵/۵ با این استدلال که در جریان رسیدگی محرز شده چک موضوع شکایت در تاریخ ۷۴/۲/۱۰ و در هنگام عقد قرارداد بین شاکی و متهم صادر شده و به شاکی تسلیم گردیده و شاکی پس از انقضای ۶ ماه اقدام به ثبت شکایت کیفری نموده، لذا به لحاظ سقوط حق تعقیب کیفری شاکی، قرار موقوفی تعقیب متهم را صادر کرده است.

آقای حمیدرضا از این رأی تجدیدنظرخواهی کرده و شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۴۲۲-۷۶/۸/۱۱ با این استدلال که چک مورد شکایت تضمینی بوده و طبق ماده ۳ قانون چک، صادر کننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد و با حاکمیت ماده ۱۳ قانون مذکور، صدور چک به عنوان تضمین یا مشروط یا وعده‌دار یا سفید

امضا ممنوع است و با توجه به این که صرف صدور این گونه چکها جرم و قابل تعقیب کیفری در صورت بلامحل بودن می‌باشد، لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و آقای ارسطو را مستنداً به ماده ۱۳ قانون چک مصوب سال ۱۳۷۲ به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است.

رئیس دادگاه صادرکننده حکم بدوی در اجرای بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر تذکر داده است که برابر بند ۱ ماده ۲۲ قانون مزبور دادگاه تجدیدنظر باید پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهیتی به دادگاه بدوی اعاده می‌نمود.

شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر این تذکر را پذیرفت و پرونده را جهت ارجاع به شعبه همعرض به نظر سرپرست دادگاههای تجدیدنظر رساند و پرونده به شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر ارجاع گردید.

شعبه ۲۸ به شرح دادنامه شماره ۱۴۴۳-۱۱/۱۰/۷۶ در پرونده کلاسه ۱۵۰۶/۲۸/۷۶ با این استدلال که چون حسب محتویات پرونده چک مورد بحث به موجب قرارداد مورخ ۷۴/۱۲/۱۰ صادر شده و قید تاریخ مؤخر ۷۶/۱۲/۱۰ موجب تغییر تاریخ واقعی صدور آن نمی‌گردد و چنانچه دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت. فلذا ضمن نقض دادنامه شماره ۴۲۲-۱۱/۸/۷۶ شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر، تجدیدنظرخواهی شاکی از دادنامه ۴۸۹-۵/۵/۷۶ دادگاه بدوی را وارد ندانسته و با اصلاح قرار موقوفی تعقیب به پرداخت متهم، دادنامه مذکور را تأیید و استوار کرده است.

با ملاحظه جریان دو پرونده طرح شده در شعب ۱۹ و ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌ماند که آن دو

شعبه در استنباط از مواد ۱۱ و ۱۳ قانون چک رویه‌های مختلفی اتخاذ نموده بودند. معاون اول دادستان کل کشور مستنداً به ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ که در آن زمان مجری بود، طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد تقاضا نمود.

موضوع استنباط متفاوت از مواد ۱۱ و ۱۳ قانون چک دقیقاً عبارت از لزوم یا عدم لزوم رعایت مواعد شش‌ماهه مقرر در ماده ۱۱ بوده است. شعبه ۱۹ این نظر را ابراز داشته بود که اگر دارنده چک بخواهد صادرکننده را به اتهام جرایم مذکور در ماده ۱۳ قانون مزبور تحت تعقیب قرار دهد، ضرورت ندارد که ارائه چک به بانک محال‌علیه جهت مطالبه وجه آن و طرح شکایت کیفری ظرف مواعد مقرر در آن ماده به عمل آمده باشد. درحالی که شعبه ۲۸ برعکس در رأی خود اعلام داشته بود که اگر دارنده چک در خارج از مهلت‌های شش‌ماهه مقرر در ماده ۱۱ وجه چک را از بانک مطالبه کند و یا طرح شکایت نماید، دیگر صادرکننده قابل تعقیب کیفری نیست.

دادسرای دیوان عالی کشور نیز به علت این استنباط متفاوت، طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور تقاضا نمود. بنابراین، موضوع مختلف‌فیه لزوم یا عدم لزوم رعایت مواعد شش‌ماهه مذکور در ماده ۱۱ قانون چک بوده و به هیچ وجه اختلاف بین دو شعبه یاد شده راجع به تاریخ صدور چک نبوده است. در هر دو پرونده با بررسی‌های به عمل آمده، احراز گردیده بوده که تاریخ واقعی صدور چک غیر از تاریخ مندرج در سند بوده است. اساساً در مورد چک‌های مدت‌دار، تضمینی، مشروط به

شرط و سفید امضا دو تاریخ مطرح می‌باشد: یکی تاریخی که واقعاً در آن تاریخ چک صادر شده و دیگر تاریخی که در متن چک نوشته شده است. این تاریخ ممکن است توسط صادرکننده قید شده باشد یا توسط دارنده، هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطابق رأی شماره ۶۴۱-۲۵/۸/۱۳۷۸ چنین حل اختلاف کرده است:

«با توجه به این که طبق ماده ۱۱ قانون چک در کلیه جرایم مربوط به چک صادرکننده در صورتی قابل تعقیب کیفری است که دارنده در مدت شش ماه از تاریخ صدور برای وصول وجه چک به بانک محال‌علیه مراجعه و در مدت شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت نیز شکایت نماید و خارج نمودن موارد منطبق با ماده ۱۳ اصلاحی قانون چک از شمول ترتیب فوق‌الذکر موجه و مستند به دلیل نیست، لهذا رأی شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء موافق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب صادر شده و در موارد مشابه برای دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است»<sup>۲</sup>.

چنان که از رأی هیأت عمومی به روشنی استنباط می‌شود قضات صادرکننده رأی فقط در موضوعی که مورد اختلاف شعب ۱۹ و ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران بوده اتخاذ موضع نموده‌اند و به هیچ وجه در خصوص این مسأله که چه تاریخی باید به عنوان تاریخ صدور چک تلقی شود نظری نداده‌اند.

۲. رأی مارالذکر در زمانی صادر گردیده که قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب لازم‌الاجرا بوده، لذا به ماده ۲۷ آن قانون استناد شده است.

حال که معلوم شد هیأت عمومی در رأی مورد بررسی درباره تساریخ صدور چک تعیین تکلیف نکرده است، باید بینیم رویه قضایی در این زمینه چه مواضعی دارد. لیکن قبل از وارد شدن به این بحث، ضروری می‌دانیم مشخص کنیم در متون قانونی مربوط، در چه موادی عبارت «تاریخ صدور چک» به کار رفته است و در آن متون چه آثاری بر این تاریخ مترتب می‌باشد. طبیعی است که برای انجام این منظور لازم است به قانون تجارت و قانون چک مراجعه نماییم.

چنان که معلوم است فصل سوم باب چهارم قانون تجارت مشتمل بر ۸ ماده به چک اختصاص یافته است. در این فصل در چهار مورد اصطلاح «تاریخ صدور» به کار رفته است:

۱- ماده ۳۱۱ که شرایط چک را برشمرده است و یکی از آن شرایط

تاریخ صدور می‌باشد.

۲ و ۳- ماده ۳۱۵ که دو مهلت تعیین کرده و مقرر داشته، دارنده

چک باید ظرف آن مواعد سند را جهت مطالبه وجه آن به محال‌علیه ارائه کند. چنانچه مکان صدور و محل تأدیه در یک شهر ایران واقع باشد، این مهلت پانزده روز است و اگر این دو مکان در دو شهر مختلف ایران قرار داشته باشند، مثل آن که کسی در کاشان به عهده شعبه بانکی که در تهران است اقدام به صدور چک نماید، دارنده چک باید ظرف مدت چهل و پنج روز با ارائه سند به بانک محال‌علیه وجه آن را مورد مطالبه قرار دهد. مبدأ مواعد پانزده روزه و چهل و پنج روزه بالصراحه در ماده مذکور «تاریخ صدور» تعیین گردیده است.



ضمانت اجرای عدم مراجعه در مواعد مذکور مطابق ماده ۳۱۵ عبارت است از این که دیگر دعوای دارنده چک «علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین رود، دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست».

۴- ماده ۳۱۷ که مقرر می‌دارد اگر چک در خارج از ایران صادر شده و در ایران قابل پرداخت باشد، دارنده باید ظرف مدت چهار ماه از تاریخ صدور جهت مطالبه وجه سند به محال‌علیه رجوع کند. چنانچه ظرف این مهلت چک جهت مطالبه وجه آن ارائه نشود، دارنده با همان ضمانت اجراهای مقرر در ماده ۳۱۵ روبرو خواهد شد.

در قانون چک در دو مورد عبارت «تاریخ صدور» استعمال شده است:

۱- ماده ۳ که مقرر می‌دارد: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد ...)» ضمانت اجرای فقدان محل قابلیت کیفری صادرکننده خواهد بود.

۲- ماده ۱۱ که یک بار عبارت «تاریخ صدور چک» را به کار برده است: «در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت».

با توجه به مواد قانون تجارت و قانون چک که نقل گردید مسلم است که تاریخ صدور نقش بسیار تعیین‌کننده در مورد حقوق دارنده چک و مسؤولیت صادرکننده و ظهرنویسان آن سند دارد و ضرورت اقتضا

می‌کند که بدانیم چه تاریخی باید به عنوان تاریخ صدور چک شناخته شود. در زمان ما چکهای وعده‌دار، علی‌رغم منع قانونگذار و جرم شناخته شدن صدور آنها به شدت متداول است. چندان که می‌توان گفت بیش از ۹۰٪ چکهایی که صادر می‌شود وعده‌دار است. چکهایی نیز که به عنوان امانت، یا تضمین یا مشروط به شرط یا تأمین اعتبار و یا سفید امضا صادر می‌شود نوعاً چکهای وعده‌دار هستند. چک وعده‌دار یا مدت‌دار به چکی گفته می‌شود که در آن دو تاریخ مطرح است: یکی تاریخ واقعی صدور که به جز مورد بسیار نادر در چک ذکر نمی‌شود و دیگر تاریخی که در سند نوشته می‌شود.

حال وقت آن رسیده که ببینیم در این زمینه دادگاهها چه موضع یا موضعی اتخاذ کرده‌اند. چنان که بر کسی پوشیده نیست، در ایران احدی نمی‌تواند ادعا کند که در مسائل مختلف حقوقی چه رویه یا رویه‌هایی موجود است و یا سابقاً وجود داشته است، بدین علت واضح که به جز در مقاطع زمانی محدود، آرای محاکم، هیچگاه انتشار پیدا نکرده است. این نقص در کار سیستم قضایی ما موجود بوده و همچنان وجود دارد و متأسفانه در جهت رفع آن اقدامی معمول نگردیده است، تا آنجا که برای اینجانب امکان داشت بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که دادگاهها در مانحن فیه رویه‌های متشتت و مختلف دارند. چهار رویه به شرحی که ذیلاً خواهد آمد قابل تشخیص است:

الف - تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور تلقی می‌شود و این تاریخ اماره‌ای است که با دلیل مخالف هم نمی‌توان آن را از اعتبار

انداخت. سه رأی در اینجا از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد که در جهت رویه مورد گفتگو صادر شده است. در هر سه دادگاه بدوی، تجدیدنظر و دیوان کشور اظهارنظر کرده‌اند و در هر سه، هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مجال بررسی و اعلام عقیده پیدا کرده است:

۱- کسی به اتهام صدور سه فقره چک بی‌محل تحت تعقیب دادسرای شهرستان تهران واقع شده و از طرف دادستان شهرستان با تطبیق اتهام به بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی و رعایت ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری از دادگاه جنحه درخواست کیفر او گردیده است.

دادگاه جنحه در نتیجه رسیدگی با استدلال این که «از ملاحظه سه فقره چک و اوراق اظهارنامه و تاریخ آنها با تاریخ اظهارنامه به خوبی معلوم است که چک‌های مزبور مؤجل بوده نه حال و این قبیل اوراق که به نام چک صادر می‌شود و تاریخ آنها برای مدت بعد گذاشته می‌شود در ردیف اوراق تجاری محسوب است نه چک مورد نظر قانون، مورد را از مصادیق ماده ۲۳۸ مکرر قانون استنادی ندانسته و رأی به غیرقابل کیفر بودن متهم داده است».

از طرف دادستان شهرستان درخواست رسیدگی پژوهشی شده و دادگاه استان ۱ و ۲ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

«اعتراض متهم در مرحله بدوی که مورد قبول دادگاه جنحه نیز واقع شده آن است که چون سه ورقه چک مورد دعوی مؤجل بوده و در ردیف اوراق تجاری است نه چک به منظور ماده استنادی دادستان، در صورتی که با ملاحظه چک‌های مورد دعوی که قید مدت در آنها نشده و به فرض این

که چکهای مذکوره به تاریخ مقدم نوشته شده باشد طبق تعریف قانون تجارت، باز اطلاق چک به آنها می‌شود، حکم دادگاه بدوی که بر برائت متهم نامبرده بنابه استدلال مذکور صادر گردیده مخدوش است و گسیخته می‌شود... و به استناد قسمت (ب) ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی و رعایت ماده ۴۵ مکرر آن قانون به لحاظ معیل بودن و نداشتن پیشینه کیفری و ماده ۲ ملحقه به قانون آیین دادرسی کیفری، متهم نامبرده برای هر یک از گناهان انتسابی به شش ماه حبس تأدیبی و به علاوه سه جزای نقدی محکوم شده است».

بر اثر فرجامخواهی محکوم‌علیه، شعبه ۲ دیوان کشور، به استدلال این که: «مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد و در صورتی که محرز شود تاریخ مرقوم در چک مؤخر از تاریخ واقعی «تاریخ تحریر» می‌باشد یک چنین ورقه‌ای را نمی‌توان چک دانست تا در صورت نداشتن محل در بانک مطابق ماده ۲۳۸ مکرر صادرکننده مجرم تشخیص شود و در این مورد هرچند تاریخ تسلیم اظهارنامه به دفتر دادگاه بخش معلوم نشده، ولی چون مدیر دفتر دادگاه مزبور در تاریخ ۱۴ اردیبهشت دستور ابلاغ داده مسلم است که هر سه فقره چک دارای تاریخ مؤخر بر تاریخ تحریر بوده و مطابق تعریف ماده ۳۱۱ قانون تجارت اوراق مزبور چک محسوب نمی‌شود تا مشمول ماده ۲۳۸ مکرر گردد، حکم پژوهش خواسته را شکسته و رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه استان ۱ و ۲ ارجاع شده است.

شعبه اخیر در نتیجه رسیدگی غیابی نیز به استناد ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی و رعایت ماده ۲ الحاقی و رعایت ماده ۴۵ مکرر برای

هر یک از سه فقره اتهام حکم بر محکومیت متهم به شش ماه حبس تأدیبی و مبالغی جزای نقدی صادر کرده است. بر اثر اعتراض محکوم علیه، همان شعبه مجدداً رسیدگی کرده و دادنامه معترض عنه را بدون اشکال تشخیص داده و تأیید نموده است.

به دنبال فرجام خواهی محکوم علیه هیأت عمومی دیوان عالی کشور پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۲۶۱۴-۲۷/۱۰/۱۸ به شرح زیر رأی داده است:

«راجع به چک‌هایی که تاریخ چک مؤخر از زمان تحریر است، نظر به این که موافق مقررات قانونی، تاریخ استفاده از چنین چک‌هایی همان تاریخی است که در آن قید شده و تحریر چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت، آن را از صورت چک خارج نمی‌نماید، هیأت عمومی به اکثریت آرا چنین اوراقی را چک تشخیص داده و صادر کننده مشمول مقررات قانونی چک خواهد بود...»<sup>۳</sup>

چنان که ملاحظه گردید در این رأی قضات شعب دادگاه استان که به مسأله رسیدگی کردند و نیز اکثریت رؤسا و مستشاران دیوان عالی کشور، تاریخ چک را تاریخی دانستند که در آن سند درج گردیده، حتی اگر ثابت شود که تاریخ واقعی صدور، تاریخی نیست که در آن نوشته شده است.

۲- در پرونده‌ای دیگر، شخصی به اتهام صادر کردن چهار فقره چک بی محل تحت تعقیب درآمد و پس از تنظیم کیفرخواست شعبه ۱۲ دادگاه جنحه تهران متهم را از جهت یک فقره چک به هشت ماه حبس و

۳. مجموعه حقوقی، سال سیزدهم، شماره مسلسل ۲۹۳، صفحات ۱۰۷۹ تا ۱۰۸۳.

از جهت سه فقره چک دیگر نسبت به هر یک به شش ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است.

متهم و دادستان هر دو پژوهش خواسته‌اند. شعبه ۸ دادگاه استان مرکز غیاباً رسیدگی و دادنامه را از جهت دو فقره چک گسیخته و متهم را غیرقابل تعقیب دانسته و از جهت دو فقره چک دیگر محکومیت متهم را به تأدیه خسارات شاکی استوار نموده ولی در جنبه کیفری، دادنامه را گسیخته و متهم را نسبت به یک فقره چک به مبلغ شانزده هزار ریال به شش ماه و پنج روز حبس تأدیبی و تأدیه چهار هزار ریال غرامت و نسبت به یک فقره چک دیگر به مبلغ چهار هزار ریال به شش ماه حبس تأدیبی و تأدیه یک هزار ریال غرامت محکوم نموده است.

محکوم‌علیه از آن رأی وخواهی کرد و شعبه مزبور دادنامه معترض‌عنه را استوار نمود.

بر اثر فرجام‌خواهی محکوم‌علیه شعبه دوم دیوان عالی کشور از لحاظ این که: «متهم طی مراحل رسیدگی اظهار داشته تاریخ پرداخت چک مؤخر از تاریخ نوشتن آن است و مطابق رویه دیوان کشور این گونه چک‌ها وعده‌دار محسوب است و راجع به این قسمت رسیدگی به عمل نیامده» دادنامه فرجام خواسته را نقض نمود.

شعبه دوم دادگاه استان مرکز که پس از نقض حکم به موضوع رسیدگی به عمل آورد به طور خلاصه به استدلال این که: «ارتکاب متهم به عمل‌های انتسابی به موجب ادله مشروحه در دادنامه ثابت بوده و مؤخر بودن تاریخ چک از تاریخ تحریر بر فرض ثبوت علت وعده‌دار بودن چک تلقی نمی‌شود و تصمیم شماره ۲۶۱۴-۲۷/۱۰/۸ هیأت عمومی دیوان عالی

کشور مؤید این معنی است»<sup>۴</sup> متهم را از حیث چک شانزده هزار ریالی به شش ماه حبس تأدیبی و تأدیه چهار هزار ریال جزای نقدی و از جهت چک چهار هزار ریالی به شش ماه حبس تأدیبی و تأدیه یک هزار ریال کیفر نقدی محکوم نمود.

بر اثر فرجامخواهی محکوم علیه موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور طرح گردید و اکثریت به شرح زیر رأی به ابرام حکم فرجامخواسته دادند:

«چون از طرف فرجامخواه اعتراض مؤثری نشده و از حیث قواعد دادرسی نیز اشکالی که موجب نقض حکم فرجامخواسته باشد به نظر نمی‌رسد. بنابراین حکم مزبور به اکثریت آرا مبرم است»<sup>۵</sup>.

در این رأی نیز، دادرسان شعب دادگاه استان مأمور رسیدگی به موضوع و اکثریت آقایان قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور تاریخ چک را عبارت از تاریخ مندرج در آن سند دانسته‌اند و لاغیر.

۳- مردی ساکن مشهد به اتهام صدور یک فقره چک بدون محل، مورد تعقیب دادسرای شهرستان مشهد قرار گرفت و در دادگاه جنحه به استناد ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی به شش ماه حبس تأدیبی و تأدیه هفده هزار ریال جزای نقدی و سه هزار ریال هزینه دادرسی محکوم گردید.

۴. رأی مذکور در قسمت ۱ همین مقاله.

۵. مجموعه رویه قضایی کیهان - آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲، جلد اول، آرای جزایی، صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۲.

محکوم علیه از این حکم پژوهش خواست شعبه دوم دادگاه استان نهم از جهت احراز بزه و تطبیق با قانون اشکال به حکم ندیده، ولی رعایت تخفیف بیشتری را درباره متهم مقتضی دیده و حکم پژوهش خواسته را گسیخته، با رعایت ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مشارالیه را به سه ماه حبس تأدیبی و تأدیه هفده هزار ریال جزای نقدی و هزار ریال هزینه دادرسی محکوم نمود.

محکوم علیه از این حکم فرجام خواست و شعبه ۸ دیوان عالی کشور اعتراض فرجامخواه را به این که «در موقع تنظیم چک تاریخ مؤخر قید گردیده و با این کیفیت ورقه‌ای که به عنوان چک ارائه شده با تعریف ماده ۳۱۱ قانون تجارت چک شناخته نمی‌شود» با توجه به تاریخ صدور واقعی ورقه مزبوره (سال ۱۳۲۸) وارد دید و حکم فرجامخواسته را نقض کرد.

شعبه چهارم دادگاه استان در رسیدگی ثانوی به استناد آن که «تحریر چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت، آن را از صورت چک خارج نخواهد کرد و تاریخ استفاده همان تاریخی است که در چک قید شده است» با احراز سوء نیت متهم مطابق محتویات پرونده حکم دادگاه جنحه مشهد را صحیح دانسته و به منظور رعایت تخفیف بیشتری درباره متهم با رعایت ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی متهم را به سه ماه حبس تأدیبی و هفده هزار ریال جزای نقدی و هزار ریال هزینه دادرسی محکوم نمود.



محکوم علیه از این حکم فرجام خواست و اعتراض کرد که حکم برخلاف مقررات صادر شده است. پرونده در هیأت عمومی دیوان عالی کشور طرح گردید و به اتفاق آرا رأی فرجام خواسته به شرح زیر ابرام شد: «ایراد فرجام خواه به این که حکم فرجام خواسته برخلاف مقررات صادر شده وارد نیست و به نحوی که دادگاه مورد توجه قرار داده تاریخ استفاده از چک همان تاریخی است که در آن قید شده و نوشتن چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت سبب خروج آن از صورت چک نبوده و این قبیل اوراق چک محسوب و صادرکننده آن مشمول مقررات قانون چک خواهد بود و چون از حیث رسیدگی و رعایت اصول دادرسی اشکال مؤثری به نظر نمی رسد حکم فرجام خواسته به اتفاق آرا ابرام می شود».<sup>۶</sup>

مفاد این رأی در ماده ۵ لایحه قانونی راجع به چک بی محل مصوب سال ۱۳۳۷ به شرح زیر منعکس گردید: «دعوی این که چک وعده دار بوده مسموع نیست».

چنان که ملاحظه شد رأی سوم همچون دو رأی دیگر فقط تاریخ مندرج در چک را به عنوان تاریخ قانونی چک که در واقع همان تاریخ صدور چک می باشد شناخته است.

ب - رویه قضایی دیگر در زمینه موضوع مورد گفتگو از این قرار است که وعده دار بودن چک و به عبارت دیگر این دعوی که تاریخ مندرج در چک تاریخ واقعی صدور آن نیست در قبال شخص ثالث نباید مورد استناد قرار گیرد. براساس این رویه، حتی اگر صادرکننده ثابت کند

۶. منبع یاد شده، صفحات ۱۲۲ و ۱۲۳.

که تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخی است که در سند قید گردیده است، دادگاه نباید به آن توجه نماید و لازم است همان تاریخ منعکس در چک را به عنوان تاریخ صدور سند تلقی کند، از رویه مورد بحث می‌توان این مفهوم مخالف را استنباط کرد که در روابط فی‌مابین صادرکننده و اولین دارنده چک، ادعای وعده‌دار بودن قابل استناد و توجه و رسیدگی است. همچنین در صورتی که چک به طریق ظهنویسی انتقال یافته باشد، ظهنویس می‌تواند ثابت کند که ذی‌نفع ظهنویسی از تاریخ واقعی صدور چک اطلاع داشته است.

دو رأی آتی الذکر منطبق با این رویه است:

«چکی که از طرف دارنده آن به نفع مدعی ظهنویسی شده است، با فرض این که تاریخ حقیقی آن با تاریخ مذکور در آن تفاوت داشته و بابت معامله ملکی باشد، این اظهارات در مقابل دارنده آن که به نفع او ظهنویسی شده با توجه به ماده ۳۱۴ قانون تجارت قابل توجه نخواهد بود».<sup>۷</sup>

ج - رویه دیگر از این قرار است که اگر معلوم شود چک وعده‌دار بوده، نمی‌توان بر چنان نوشته‌ای چک اطلاق کرد. زیرا، ماده ۳۱۱ قانون تجارت «وعده‌دار نبودن» را یکی از شرایط چک شناخته است. بنابراین،

۷. حکم شماره ۱۹۹۲-۲۶/۱۲/۲۹ شعبه چهارم دیوان عالی کشور،

حکم شماره ۱۴۶۵-۲۷/۹/۱۶ شعبه چهارم دیوان عالی کشور،

مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، احمد متین، شامل نظریات دیوان عالی کشور از ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰

چاپ آفتاب، تاریخ چاپ ۱۳۳۰، صفحه ۱۳۵.

دارنده آن نمی‌تواند از حقوق مترتب بر چک استفاده کند. آرای زیر درخصوص این رویه قابل توجه می‌باشد:

۱- حکم شماره ۲۷۳۳ مورخ ۱۳۱۹/۸/۳۰ شعبه ۲ دیوان عالی کشور: «شخص به این اتهام که در مقابل طلب دیگری چکی به عهده بانک ملی به مبلغ هفده هزار و پانصد ریال صادر کرده، در صورتی که در بانک بیش از هزار و نهصد و هشتاد ریال اعتبار نداشته و چک مزبور نسبت به بقیه مبلغ بی‌محل بوده تحت تعقیب دادرسی شهرستان درآمده و دادستان طبق کیفرخواست رسیدگی و صدور حکم کیفر متهم را طبق بند ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی از دادگاه جنحه درخواست نموده است».

دادگاه پس از رسیدگی مطابق بند (الف) ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفری عمومی متهم را به هزار و پانصد و پنجاه و دو ریال عشر تفاوت مذکور به عنوان جزای نقدی به خزانه دولت محکوم کرده است. دادستان و متهم درخواست رسیدگی پژوهشی کرده‌اند و دادگاه استان دادنامه پژوهش خواسته را تأیید کرده است.

متهم از آن حکم و خواهی کرده و در همان دادگاه رسیدگی به عمل آمده و (به استناد این که در چک قید شده که بابت قسط اول اجاره بهای رقبات اجاره‌ای از شاکی است و آن مبلغ به موجب شرحی که در اجاره‌نامه رسمی قید گردیده به نماینده شاکی تسلیم شده و تلگرام متهم به شاکی و تنظیم سند رسمی و تأخیر در فرستادن اظهارنامه و نشانی‌های دیگر حاکی است که مبلغ نامبرده به شاکی رسیده و موجبی برای پرداخت وجه چک باقی نمانده و از مصادیق چک و ماده ۳۱۱ قانون تجارت نیست) حکم غیابی گسیخته شده و متهم تبرئه گردیده است.

دادیار استان درخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه دوم دیوان کشور پس از رسیدگی چنین رأی داده است: «اعتراض دادسرای فرجامخواه در نتیجه آن که (چون برگ موضوع اتهام چک بوده، عمل انتسابی به متهم طبق ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی بزه محسوب می‌شده و از این رو حکم تبرئه او مخالف قانون به شمار می‌رود) وارد نیست، چه به طوری که دادگاه استان در ضمن رأی خود تشخیص داده طبق مقررات قانون تجارت برگ مزبور چک محسوب نمی‌شود و عمل انتسابی به کیفیتی که در نظر دادگاه محرز گردیده مشمول ماده کیفری دیگری هم نبوده است و چون اشکال مؤثری بر حکم فرجامخواسته متوجه نیست به اتفاق آرا استوار می‌شود».<sup>۸</sup>

۲- حکم شماره ۷۳ مورخ ۲۲/۱۲/۱۸ شعبه ۲ دیوان عالی کشور:

«کسی به اتهام صدور دو فقره چک بدون محل مورد تعقیب واقع شده و از طرف دادستان کیفرخواست تنظیم و دادگاه جنحه پس از رسیدگی، برگهای استنادی را سفته تشخیص داده و متهم را تبرئه کرده است».

دادستان شهرستان از این حکم پژوهش خواسته و دادگاه استان اعتراض دادستان را وارد دیده و حکم نخستین را گسیخته و طبق بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی و ماده ۴۵ مکرر همان قانون برای هر یک از دو فقره چک بی‌محل متهم را به شش ماه حبس تأدیبی و پرداخت مبلغی محکوم نموده است.

۸. مجموعه حقوقی، سال پنجم، شماره ۲۲، ص ۸۴۴.

محکوم علیه درخواست فرجام کرده و شعبه ۲ دیوان عالی کشور پس از رسیدگی به قرار زیر مبادرت به صدور رأی نموده است:

«چون به طوری که در حکم فرجام‌خواسته اشعار شده یکی از مدافعات متهم این بوده که چکهای موضوع اتهام در تاریخ فروردین صادر ولی تاریخ آن را خرداد گذارده که در آن تاریخ قابل پرداخت بوده و از این لحاظ برگهای مزبور چک محسوب نمی‌شود تا مشمول مقررات کیفری مربوط به اصدار چک بی‌محل باشد و نظر به این که دفاع مزبور در صورت تحقق مؤثر در امر خواهد بود، چه در ماده ۳۱۱ قانون تجارت قید شده که پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد و ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی راجع به اصدار چک بی‌محل هم ناظر به اوراقی است که طبق قانون تجارت چک شناخته شود و چکی که به کیفیت ادعایی متهم صادر شده باشد به منزله وعده‌دار است که قانوناً چک بر آن اطلاق نمی‌شود و نظر به این که از حکم فرجام‌خواسته استفاده نمی‌شود که دادگاه نحوه دفاع متهم را در نظر گرفته باشد و از این جهت حکم مزبور در حقیقت مخالف ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری است و به موجب ماده ۴۳۰ همان قانون به اتفاق آرا شکسته می‌شود و رسیدگی مجدد به شعبه ۲ دادگاه استان ارجاع می‌شود»<sup>۹</sup>.

۳- حکم شماره ۱۶۸۶ مورخ ۲۵/۱۰/۳ شعبه ۸ دیوان عالی کشور:

«مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد می‌کند یا به دیگری واگذار می‌نماید و بدیهی است که شامل اوراقی که

۹. منبع پیشین، سال هشتم، شماره ۵، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

بدون داشتن وجه صادر می‌شود نخواهد بود. همچنین به موجب ماده ۳۱۱ قانون مذکور پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد و چکی که در تاریخ مقدم به تاریخ مؤخر صادر شود به منزله وعده‌دار است و عنوان چک که موجب مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویسان است بر چنین اوراقی صادق نخواهد بود.<sup>۱۰</sup>

۴- حکم شماره ۲۶۸۰-۳۶/۶/۱۸-شعبه ۶ دیوان عالی کشور:

«اگر نسبت به صدور چک بی‌محل شاکی تصدیق کند که چک بابت سفته داده شده و یک ماه مدت داشته است، چون اوراق وعده‌دار برخلاف ماده ۳۱۱ قانون تجارت بوده و نمی‌توان احکام مربوط به چک را شامل آنها دانست، بنابراین مجرم دانستن صادرکننده مورد نخواهد داشت.»<sup>۱۱</sup>

د- رویه چهارم عبارت است از آن که اگر دادگاه احراز کند که تاریخ مندرج در چک تاریخی نیست که چک تحریر شده است، باید تاریخ واقعی تحریر و تنظیم را به عنوان «تاریخ صدور چک» تلقی کند. با تفحص در منابع چاپ شده‌ای که در اختیار اینجانب قرار دارد، جز رأی

۱۰. مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، احمد متین، اسفندماه ۱۳۳۰، چاپ آفتاب، ص ۱۳۲.  
 ۱۱. مجموعه رویه قضایی شعب دیوان عالی کشور، احمد متین، فروردین ۱۳۴۰، چاپ آفتاب، ص ۵۸ علاوه بر چهار آرای مذکور در مجموعه رویه قضایی احمد متین در قسمت کیفری شامل آرای شعب و هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۳ صفحه ۱۲۴ شماره و تاریخ صدور و مرجع صادرکننده آرای را ذکر کرده که منطبق با رویه مذکور در بند (ج) می‌باشد که عبارتند از: احکام شماره ۱۳۳۲-۲۹/۵/۲۳-شعبه ۵- شماره ۱۳۶-۲۹/۱/۱۹-شعبه ۵- شماره ۷۵۷-۲۸/۵/۱۰-شعبه ۵- شماره ۱۰۰۸-۲۱/۴/۲-شعبه ۲- شماره ۷۳۸-۲۹/۶/۴-شعبه ۲- شماره ۱۲۵-۲۵/۱/۳۰-شعبه ۶- شماره ۴۳-۲۰/۹/۹-شعبه ۶- شماره ۳۰۱۸-۲۱/۱۰/۲۲-شعبه ۶- شماره ۴۸۱-۲۱/۲/۲۸-شعبه ۶.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور که مورد بررسی است و در آن می‌بینیم که شعبه ۷۴ دادگاه عمومی تهران و شعبه ۲۸ دادگاه استان تهران تاریخ واقعی را تاریخ صدور چک دانسته‌اند، رأیی دیده نمی‌شود. گویا این که گفته می‌شود در حال حاضر، دادگاه‌ها تاریخ واقعی را تاریخ صدور چک محسوب می‌دارند. البته آرای مورد گفتگو و مطرح شده در رأی هیأت عمومی مانحن فیه در امر کیفری صادر شده است و نمی‌دانم اگر دادگاه صرفاً در امر حقوقی وارد رسیدگی شود، باز تاریخ واقعی را تاریخ صدور چک تلقی می‌کند یا تاریخ مندرج در چک را و اساساً این سؤال می‌تواند طرح گردد که آیا ممکن است حسب این که چک از نظر کیفری یا از جهت حقوقی مورد استناد قرار گیرد، دو تاریخ مختلف را به عنوان تاریخ صدور شناخت. در مورد امر کیفری تاریخ واقعی و درباره جنبه حقوقی تاریخ مندرج در چک.

#### نتیجه

حال که از نقل آرای محاکم در زمینه موضوع مورد گفتگو فراغت حاصل کردیم، در نتیجه مقاله حاضر به این بررسی خواهیم پرداخت که کدام یک از رویه‌های مذکور موجه است و با اصول حاکم بر اسناد تجاری انطباق دارد و باید از آن تبعیت به عمل آید.

چنان که می‌دانیم در ایران از بین سه سند تجاری به معنای خاص کلمه، یعنی برات، سفته و چک، در اغلب قریب به اتفاق موارد، چک متداول است و نیز می‌دانیم که بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که چک به عنوان ابزار نقدی پرداخت مورد استفاده قرار گیرد و در حقیقت به جای

برات و سفته که باید در معاملات مدت‌دار مبادله گردد، فروشندگان کالا و خدمات چک مطالبه می‌کنند. علت کاملاً واضح است. مقنن و رویه قضایی برای چک امتیازات حساب نشده و ناموجهی قائل شده‌اند که برات و سفته از این مزایا محرومند و همین امتیازات موجب گردیده که چک به این گستردگی و شدت متداول باشد.

باز می‌دانیم که اسناد تجاری، اسناد قابل معامله هستند و با شیوه‌های بسیار ساده و بدون هزینه ظهنویسی و قبض و اقباض مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرند. امروزه چک به مراتب از اسکناس (پول کاغذی) بیشتر به کار می‌رود حتی می‌توان گفت که در بین بازرگانان که حجم معاملات آنها هم از حیث مبلغ و هم از جهت تعداد زیاد است، پول به هیچ وجه مبادله نمی‌شود. زیرا همانطوری که می‌دانیم استفاده از پول مشکلات و خطرات بسیاری را به همراه دارد.

مشکل ما راجع به صادرکننده و اولین دارنده چک نیست. در روابط فی‌مابین این دو، هر ادعا و ایرادی که مطرح شود می‌تواند قابل توجیه باشد. اما در رویارویی با اشخاص ثالث با حسن نیت و بی‌خبر از روابط مبنایی فی‌مابین ظهنویس و ایادی ماقبل وی، چگونه قابل قبول است که حقوق دارنده سند تحت تأثیر ایرادات صادرکننده یا ظهنویس تضييع گردد. کسی که سند تجاری به وی منتقل می‌شود مسلماً مندرجات سند را مورد توجه قرار می‌دهد و راضی می‌شود که سند به او منتقل شود. حال اگر یکی از امضاکنندگان براساس سندی یا هر دلیل دیگر به غیر از اسناد تجاری حق داشته باشد خلاف آن مندرجات را به اثبات برساند، بدون تردید تمام معادلات دارنده سند به هم می‌ریزد و او که بر مبنای مندرجات سند و اعتبار



و ملائت امضاکنندگان آن و یا برخی از آنها به قبول آن رضایت داده ممکن است کاملاً خلع سلاح شود و حقوق خود را کلاً از دست دهد.

یک تئوری پذیرفته شده در مورد اسناد تجارتي حکومت دارد به نام تئوری «عمل به ظاهر».<sup>۱۲</sup> براساس این تئوری، در قبال اشخاص ثالث با حسن نیت، فقط و فقط آنچه در سند نوشته شده تعیین کننده است و هیچ یک از امضاکنندگان سند حق ندارند به دلایل و اسنادی غیر از سند تجاری استناد کنند و خلاف محتویات آن را به اثبات برسانند و از زیر بار تعهدات خود ناشی از امضای سند تجاری رهایی پیدا کنند. بنابراین، اگر صادرکننده یا ظهرنویس چک حق داشته باشد به موجب نوشته‌ای دیگر ثابت کند که تاریخ واقعی چک، تاریخ تحریر یافته در چک نیست، طبیعی است به حقوق دارنده سند شدیداً لطمه وارد می‌شود. پذیرش این راه حل و عمومیت بخشیدن به آن باعث می‌گردد که فلسفه وجود اسناد تجاری نادیده گرفته شود. مگر نه این است که اسناد مورد گفتگو نقش پول را دارند و به عنوان ابزار پرداخت مورد استفاده قرار می‌گیرند. آیا منطقی و موجه و عادلانه است که در برابر شخص ثالثی که سند تجاری را با نهایت حسن نیت و بدون اطلاع از روابط مبنایی ایادی قبلی انتقال گرفته، با این ایراد مواجه شود که تاریخ مندرج در چک تاریخ واقعی صدور آن نیست و تاریخی که چک تحریر یافته، مدتی قبل از تاریخ نوشته شده در چک می‌باشد.

می‌دانیم که طبق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت، دارنده چک باید ظرف مواعد مقرر چک را جهت مطالبه وجه آن به محال علیه ارائه کند و ابتدای این مواعد، «تاریخ صدور چک» معین شده است. حال اگر تاریخ

12. Théorie d'apparence.

صدور چک، تاریخ واقعی محسوب گردد، نتیجه این خواهد شد که دارنده سند که تاریخ مندرج در سند را تاریخ صدور می‌پنداشته با امری که هیچگاه تصور نمی‌کرده روبرو می‌شود و لذا حق مراجعه خود را علیه ظهنویسان از دست می‌دهد. همچنین حق رجوع او علیه صادرکننده نیز سلب می‌شود، چنانچه صادرکننده ثابت کند که عدم تأدیه مربوط به محال‌علیه بوده است، اگر دارنده براساس اعتباری که برای ظهنویس قائل بوده، انتقال چک را پذیرفته، به راحتی از حق مراجعه به ظهنویس محروم می‌شود و این محرومیت به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست.

آیا اتخاذ چنین موضعی راه را برای کلاهبرداران و متجاوزان به حقوق اشخاص باز نمی‌کند که با انجام معاملاتی اموالی را از چنگ صاحبان آنها بیرون بیاورند و چک بدهند و بعداً به راحتی با اثبات این که تاریخ واقعی صدور غیر از تاریخ مندرج در آن می‌باشد، هم از جهت کیفری و هم از نظر حقوقی از تعقیب معاف شوند.

ایضاً می‌دانیم اصل بسیار مهم و پذیرفته‌شده‌ای بر اسناد تجاری حاکم است و در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به این اسناد مورد تصویب قرار گرفته که عبارت است از اصل «غیرقابل استناد بودن ایرادات». مطابق این اصل در قبال شخص ثالث دارنده سند، امضاکنندگان به هیچ وجه مجاز نیستند که به روابط مبنایی استناد کنند. بحث راجع به این اصل از حوصله این مقاله خارج است. فقط تذکار این نکته را ضروری می‌دانم که به موجب آرای متعدد مراجع مختلف قضایی ایران، اصل مذکور مورد قبول و تأیید قرار گرفته است.

با عنایت به استدلالات مذکور، رویه مورد مطالعه در بند (ب) مقاله که مطابق آن امضاکنندگان چک در قبال دارنده با حسن نیت به هیچ وجه حق ندارند ثابت کنند که تاریخ مندرج در چک تاریخ واقعی صدور آن نمی‌باشد قابل قبول و توجیه و تبعیت است. این رویه موجب می‌گردد که چک در روابط مالی اشخاص به عنوان ابزاری مطمئن مورد استفاده قرار گیرد. رویه مذکور حقوق دارندگان بی‌اطلاع از روابط مینایی را مورد حمایت قرار می‌دهد و کاملاً با مقررات بین‌المللی و اصول مسلم شناخته شده و پذیرفته شده حاکم بر این اسناد انطباق دارد.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی